



تأثیر کیفیت حسابرسی بر ارزش افزوده شرکت‌ها با تأکید بر نقش میانجی مسئولیت اجتماعی

نویدرضا نمازی^۱

حسن اسماعیل پور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰

چکیده

انجام حسابرسی با کیفیت، از اهمیت بالایی برخوردار است. کیفیت حسابرسی از موضوعات مهم و مطرح در حسابرسی است که قوانین، استانداردها، مؤسسات حسابرسی و پژوهش‌گران دانشگاهی به دنبال تعیین شاخص‌های آن هستند. این امر بر ارزش بازار شرکت‌ها تأثیر دارد و به اندازه‌ای مهم است که افزون بر حسابرسان و پژوهشگران، استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی حسابرسی‌شده را نیز، برای اعتماد بیشتر به گزارش‌ها، به کنکاش در مورد آن وا می‌دارد. مسئولیت اجتماعی بر ارزش آفرینی شرکت‌ها مؤثر است، از این رو، هدف پژوهش حاضر به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر ارزش افزوده شرکت‌ها (ارزش افزوده بازار و ارزش افزوده اقتصادی) با تأکید بر نقش میانجی مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و نمونه آماری شامل ۱۰۱ شرکت بورسی (۱۰۱۰ سال - شرکت) در بازه زمانی ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۷ می‌باشد. به منظور تحلیل داده‌ها، از روش معادلات ساختاری (SEM) و نرم‌افزارهای SPSS و SmartPLS استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که در بورس اوراق بهادار تهران، کیفیت حسابرسی بر ارزش افزوده (ارزش افزوده بازار و ارزش افزوده اقتصادی) و همچنین، مسئولیت اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری دارد. افزون بر این، مسئولیت اجتماعی نیز، تأثیر مثبت و معناداری بر ارزش افزوده شرکت‌ها دارد. دیگر یافته پژوهش این است که مسئولیت اجتماعی، به عنوان یک متغیر میانجی، بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و ارزش افزوده شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد و نقش میانجی آن تأیید می‌شود. نتایج بیانگر این است که با افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی، عملکرد شرکت‌ها به مراتب بهبود پیدا می‌کند. این نتایج می‌تواند به‌وسیله حسابرسان جهت ایفای نقش بهتر در قبال مسئولیت اجتماعی و همچنین مدیران برای انتخاب بهتر معیارهای اقتصادی عملکرد استفاده شود.

واژه‌های کلیدی: کیفیت حسابرسی، ارزش افزوده اقتصادی، ارزش افزوده بازار (MVA)، مسئولیت اجتماعی.

۱- گروه حسابداری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. نویسنده مسئول. nnamazi@rose.shirazu.ac.ir

۲- گروه حسابداری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. hassan.esmaeilpour1995@yahoo.com

۱- مقدمه

سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و تحلیل‌گران مالی همواره جهت شناسایی فرصت‌های مناسب سرمایه‌گذاری، ارزیابی عملکرد شرکتها برایشان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آن‌چه که موجب جذابیت سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان برای سرمایه‌گذاری می‌شود، عملکرد مطلوب واحدهای تجاری است. به عقیده ماندل و لهن (۱۹۹۸)، ارزیابی عملکرد شرکتها، فعالیتی است که مدیران برای رسیدن به اهداف و راهبردهای خود انجام می‌دهند. برای اندازه‌گیری، سنجش عملکرد و مشخص نمودن ارزش شرکتها، می‌توان از شاخص‌های مختلفی استفاده کرد. معیارهای سنتی هم‌چون سود هر سهم، سود حسابداری، بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت‌های بدهی، از ابزارهای مهم برای ارزیابی عملکرد مالی و عملیاتی شرکتها محسوب می‌شوند. مدیران می‌توانند برای حفظ سطح پاداش و بهبود عملکرد، به مدیریت سود از طریق تحریف اعداد حسابداری بپردازند و در آن تغییراتی را اعمال نمایند (مهدوی و حسینی، ۱۳۸۷).

جهت رفع کاستی‌هایی که در مدل‌های حسابداری سنتی وجود دارد، پژوهشگرانی مانند، استوارت (۱۹۹۴)؛ باسیدور و همکاران (۱۹۹۷)؛ و باش و همکاران (۲۰۰۳)، به جست‌وجوی معیارهای اقتصادی برای ارزیابی عملکرد پرداختند. درمقابل مدل‌های حسابداری ارزشیابی مبتنی بر سود، تعدادی مدل اقتصادی وجود دارد که جهت برآورد ارزش به جای سود بر جریان‌های نقدی تأکید می‌کند. این مدل‌ها دارای کاربرد گسترده‌ای در سطوح مختلف هستند. از معیارهای مناسب اقتصادی که در سال‌های اخیر مورد توجه محافل علمی قرار گرفته و دارای نارسایی‌های کمتری نسبت به مدل‌های سنتی است، می‌توان ارزش افزوده اقتصادی (EVA)^۱ و ارزش افزوده بازار (MVA)^۲ را نام برد (بریور و همکاران، ۱۹۹۹؛ هال و برومر، ۱۹۹۹). ارزش افزوده اقتصادی و ارزش افزوده بازار، از دسته معیارهای ارائه‌شده در زمینه ارزیابی شرکتها قلمداد شده و از مهم‌ترین معیارها در زمینه ارزیابی عملکرد با استفاده از داده‌های اقتصادی بیان می‌شوند. هم‌چنین، جامعه حسابداران رسمی آمریکا^۳ و کمیته جنکینز^۴ در سال ۱۹۹۴، برای بهبود گزارشگری مالی، معیارهای ارزش افزوده اقتصادی و ارزش بازار اقتصادی را برای تصمیم‌گیری‌های داخلی و خارجی و گزارشگری خارجی پیشنهاد کردند (مشایخی و طالبی، ۱۳۸۸).

حسابرسی یک عملیات مستقل است که طبق بند ۳ استاندارد حسابرسی شماره ۲۰۰ ایران، نقش «اظهارنظر در خصوص این‌که آیا تهیه صورت‌های مالی، از تمام جنبه‌های با اهمیت، طبق چارچوب گزارشگری مالی باشد» را تعیین می‌کند (کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۹۸). هم‌چنین،

پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی
دوره ۱۳ / پیاپی ۵۲ / زمستان ۱۴۰۰

حسابرسی، وظیفه اطمینان‌دهی به ذینفعان را نیز برعهده دارد. طبق بند ۷ همین استاندارد، اظهارنظر نسبت به صورت‌های مالی، بر اساس نتایج به دست آمده از شواهد حسابرسی کسب شده صورت می‌گیرد (کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۹۸).

حسابرسی و انجام کیفیت آن، از اهمیت بالایی برخوردار است. کیفیت حسابرسی از موضوعات مهم و مطرح در حسابرسی است و قوانین، استانداردها، مؤسسات حسابرسی و پژوهشگران دانشگاهی به دنبال تعیین شاخص‌های آن هستند (مارتین، ۲۰۱۳). کیفیت حسابرسی همواره مورد بحث حسابرسان حرفه‌ای و محافل علمی بوده و از دیرباز صاحب‌نظران مختلفی مانند دی‌آنجلو (۱۹۸۱)، پالمرز (۱۹۸۸)، دیتار و همکاران (۱۹۹۱)، پیتون و زلنکا (۱۹۹۷)، در پی کسب شناخت بیشتر و تعیین سنجه‌های مؤثر بر کیفیت حسابرسی بوده‌اند (مهدوی و نمازی، ۱۳۹۶). کیفیت حسابرسی بر ارزش بازار شرکتها تأثیر دارد و به اندازه‌ای مهم است که افزون بر حسابرسان و پژوهشگران، استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی حسابرسی‌شده را نیز، برای اعتماد بیشتر به گزارش‌ها، به کنکاش در مورد آن وا می‌دارد (کولینان و همکاران، ۲۰۱۲).

نوع اظهارنظر حسابرس، تأخیر در گزارش حسابرس، اندازه حسابرس و دوره تصدی وی نه تنها بر قیمت سهام (یان‌یونگ و همکاران، ۲۰۱۸) و بازده مورد انتظار سهامداران عادی (احمدی و همکاران، ۱۳۹۴) اثر دارد، بلکه طبق پژوهش‌های چنگ و همکاران (۲۰۱۹) و مونوز-ازکوئردو و همکاران (۲۰۱۹)، بر نسبت‌های نوین مالی از جمله ارزش افزوده اقتصادی و ارزش افزوده بازار نیز تأثیر می‌گذارد. هر چه این اظهارنظر حسابرس با تأخیر کمتری انجام شود و در زمان کوتاه‌تری در اختیار استفاده‌کنندگان قرار گیرد، بازار زودتر واکنش نشان خواهد داد (کولینان و همکاران، ۲۰۱۲؛ لای، ۲۰۱۹). بنابراین، اظهارنظر حسابرس و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی، دوره تصدی و اندازه حسابرس ابعاد برای کیفیت حسابرسی هستند که بر ارزش افزوده شرکتها تأثیر می‌گذارند.

از سوی دیگر، اخیراً مباحث مربوط به مسئولیت اجتماعی در دانش حسابرسی و بررسی عملکرد شرکت با عنایت به معیارهای نوین عملکرد، نیز مطرح شده است (نمازی و مقیمی، ۱۳۹۷؛ میشر و همکاران، ۲۰۱۱؛ اویشک و دیوید، ۲۰۱۷؛ راماندان و همکاران، ۲۰۱۷)؛ بنابراین، انتظار می‌رود که کیفیت حسابرسی و مسئولیت اجتماعی موجب افزایش عملکرد شرکتها شوند و رقابت شرکت را در بازار محصول مطلوب‌تر نمایند. در شرکت‌های با رقابت‌پذیری بالا، شرکتها دسترسی بیشتری به منابع دارند و می‌توانند کالاهای خود را با کیفیت بیشتری تولید کنند و در بازارها به فروش برسانند. با دستیابی به عملکرد مناسب و تهیه معیارهای نوین مالی توسط شرکتها، آنها باید توجه زیادی

به تعهدات اجتماعی داشته باشند و در راستای شناساندن نام تجاری خود تلاش کنند. مجمع جهانی کسب و کار برای توسعه پایدار^۵ و همچنین سازمان بین‌المللی استانداردسازی^۶، مسئولیت اجتماعی را توانایی یک تجارت در حفظ تعادل بین دنبال کردن عملکرد اقتصادی و پایبندی به موضوعات اجتماعی و زیست محیطی، به عنوان یک عامل مهم در کارایی و اثربخشی سازمان می‌دانند (سازمان بین‌المللی استانداردسازی، ۲۰۱۹). با توجه به این تعریف، حسابرسان به عنوان یکی از ارکان مهم جامعه و کسب و کار، از این امر مستثنی نیستند و باید در انجام عملیات حسابرسی به رعایت مسئولیت‌های اجتماعی توجه نمایند.

با توجه به مطالب بیان شده، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها است که در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، آیا کیفیت حسابرسی بر ارزش افزوده تأثیر دارد؟ آیا کیفیت حسابرسی بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها تأثیر دارد؟ آیا مسئولیت اجتماعی بر ارزش افزوده شرکت‌ها تأثیر دارد؟ در نهایت، آیا مسئولیت اجتماعی، به عنوان یک متغیر میانجی، بر کیفیت حسابرسی و ارزش افزوده، تأثیر دارد؟ بنابراین، هدف این پژوهش پاسخ به پرسش‌های بالاست.

اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر این است که به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر ارزش افزوده شرکت‌ها می‌پردازد. همچنین، چگونگی تأثیر مسئولیت اجتماعی را بر این دو رابطه بصورت تجربی نمایان می‌سازد. از آنجا که تاکنون، بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر ارزش افزوده شرکت‌ها با تأکید بر نقش میانجی مسئولیت اجتماعی انجام نشده است، این پژوهش بدیع بوده و می‌تواند به پیشبرد دانش نظری و تجربی در این زمینه نیز کمک نماید.

ساختار مقاله به این شرح است که ابتدا به بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش پرداخته می‌شود. سپس، فرضیه‌ها، روش‌شناسی و الگوی پژوهش ارائه می‌گردد. در نهایت، پس از بیان یافته‌ها، بحث و نتیجه‌گیری، پیشنهادهای کاربردی بیان خواهد شد.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- ارزش افزوده

ارزش افزوده در ادبیات اقتصاد، توسط سوجانن (۱۹۵۴) ارائه شده و آن را چنین تعریف کرده است: «ارزش افزوده در واقع عبارتست از ثروت اضافه‌ای که توسط شرکت از طریق فرآیند تولید و یا ارائه خدمات ایجاد می‌شود که با کسر نهاده‌های واسطه مانند هزینه خریدها از عایدی‌ها به دست می‌آید» (استوارت، ۱۹۹۴). سوجانن (۱۹۵۴) شرکت را به عنوان یک واحد تجاری یا مرکز تصمیم‌گیری برای

پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی
دوره ۱۳/ پیاپی ۵۲/ زمستان ۱۴۰۰

سهامداران تعریف می‌کند که با استفاده از «تئوری واحد تجاری»^۷ به مفاهیم آن می‌پردازد. نقش حسابداری در این خصوص، تهیه گزارش‌هایی برای افراد مختلف و علاقه‌مند است تا بتوانند از اطلاعات مالی شرکت در یک دوره مالی استفاده کنند. هم‌چنین، نقش حسابرسی هم در این مورد، اعتباردهی به گزارش‌های تهیه شده توسط حسابداران می‌باشد. سوجانن (۱۹۵۴) مفهوم ارزش افزوده در اندازه‌گیری و ارزیابی درآمد را به عنوان یک ابزار مدیریت برای استفاده در حسابداری به علت وجود گروه‌های مختلف علاقه‌مند به اطلاعات، پیشنهاد نموده است. وی معتقد است که محاسبه ارزش افزوده اطلاعات بیشتری را نسبت به صورت سود و زیان و ترازنامه برای استفاده‌کنندگان فراهم می‌کند. این امر موجب شده که وی به عنوان نخستین نویسنده مفهوم ارزش افزوده در حسابداری باشد (مارتینلی و همکاران، ۲۰۲۰).

با عنایت به تئوری واحد تجاری، می‌توان این تئوری را در ارزش ویژه استفاده کرد. در این تئوری، سهامداران نسبت به دریافت سود سهام در هنگام اعلام آن، رأی دادن در مجمع عمومی سالانه و مشارکت در خالص دارایی‌ها بعد از پرداخت کردن تمامی ادعاهای دیگر، دارای حق می‌باشند. با این حال، حساب‌های حقوق مالکان، منافع آن‌ها به عنوان مالک را نشان نمی‌دهد، بلکه صرفاً نشان‌گر ادعاهای آن‌ها به عنوان دارندگان بخشی از ارزش ویژه است. به صورت مشابه، سود خالص نیز متعلق به مالکان نیست. اگرچه این مبلغ بعد از این که تمامی ادعاهای دیگر برآورده شدند، به حساب ادعا کنندگان ارزش ویژه بستانکار می‌شود. سود تنها زمانی به فراهم‌کنندگان سرمایه تعلق می‌گیرد که سود سهام اعلام شده باشد یا بهره تحقق یافته باشد (هندریکسون و ون‌بردا، ۱۹۹۲).

در تئوری واحد تجاری سود خالص مهم‌ترین رقم گزارشگری مالی محسوب می‌شود، بنابراین در تعیین ارزش دارایی‌ها و محاسبه سود خالص، اغلب، دقت محاسبه سود بر مبنای بودن ارزش دارایی‌ها ترجیح داده می‌شود. علت را می‌توان در اهمیت سود خالص در این تئوری جویا شد. از آن‌جا که شرکت ماهیتی جدا از سرمایه‌گذاران دارد، بنابراین، تغییر در خالص دارایی‌های شرکت برای سرمایه‌گذاران از اهمیت چندانی برخوردار نیست بلکه برای ایشان سود خالص قابل توزیع مهم است. با توجه به اهمیت سود خالص لازم است تا تمرکز ویژه‌ای بر شیوه‌های محاسبه سود شود، به نحوی که نباید محاسبه ارزش دارایی‌ها را بر دقت محاسبه سود ترجیح داد (جنانی و همکاران، ۱۳۹۲؛ اسدی و همکاران، ۱۳۹۹).

از مهم‌ترین معیارهای مهم ارزش افزوده، ارزش افزوده اقتصادی و ارزش افزوده بازار است که استوارت اولین بار در سال ۱۹۹۰ آن را مطرح نمود. معیار ارزش افزوده اقتصادی، از تفاضل سودخالص

عملیاتی پس از مالیات، با حاصل ضرب میانگین موزون هزینه سرمایه و خالص ارزش دارایی‌های شرکت بدست می‌آید. به عبارتی دیگر، در صورتی که سود خالص شرکت از هزینه فرصت سرمایه بکارگرفته شده توسط شرکت بیشتر باشد، ایجاد ارزش در شرکت و افزایش ثروت سهامداران را نشان می‌دهند. ارزش افزوده اقتصادی نشان می‌دهد که ارزش شرکت مستقیماً به عملکرد مدیریت بستگی دارد، در حالی که سایر معیارهای اندازه‌گیری قادر به انجام چنین عملی نیستند (انواری رستمی و همکاران، ۱۳۸۳).

معیار دیگر ارزش افزوده، ارزش افزوده بازار است که از تفاوت میان ارزش بازار شرکت و سرمایه بکار گرفته شده به دست می‌آید (استوارت، ۱۹۹۱). ارزش افزوده بازار حاصل ارزش فعلی خالص طرح‌های گذشته و فرصت‌های سودآور آتی شرکت است و نشان می‌دهد که چگونه شرکت به طور موفقیت‌آمیزی سرمایه‌اش را به کار گرفته و فرصت‌های سودآور آینده را پیش‌بینی و برای دستیابی به آن‌ها برنامه‌ریزی کرده است (طالب‌نیا و شجاع، ۱۳۹۰؛ اسدی و همکاران، ۱۳۹۹). از دیدگاه تئوری واحد تجاری، ارزش افزوده بازار یک شرکت برابر است با ارزش فعلی کلیه ارزش‌های افزوده اقتصادی شرکت با سود باقیمانده‌ای که انتظار می‌رود در آینده ایجاد شود. به عبارتی، ارزش افزوده اقتصادی، معیاری داخلی برای ارزیابی عملکرد مدیران است که به ایجاد ارزش افزوده بازار به منزله یک معیار خارجی می‌انجامد (رضایی و عباسی، ۱۳۹۵).

۲-۲- کیفیت حسابرسی

با وجود تلاش‌های انجام شده برای تعریف کیفیت حسابرسی، تعریف جامعی برای آن وجود ندارد. این مسأله، نشان می‌دهد کیفیت حسابرسی، تعریف پیچیده‌ای دارد و برداشت‌های افراد مختلف از آن، متفاوت است (تیتمن و ترومن، ۱۹۸۶). دی‌آنجلو (۱۹۸۱) کیفیت حسابرسی را ارزیابی و استنباط حسابرس از احتمال کشف و گزارش موارد تحریف مهم در صورت‌های مالی یا سیستم حسابداری صاحبکار تعریف می‌کند (دی‌آنجلو، ۱۹۸۱). دیویدسان و نئو (۱۹۹۳) کیفیت حسابرسی را، توانایی حسابرس در کشف و رفع تحریف‌های با اهمیت و دستکاری در سودخالص گزارش شده می‌دانند (دیویدسان و نئو، ۱۹۹۳)؛ بنابراین، کیفیت حسابرسی به عنوان عاری بودن صورت‌های مالی حسابرسی شده از تحریف‌های مهم تعریف می‌شود. قابلیت اطمینان به صورت‌های مالی حسابرسی شده، کیفیت حسابرسی را نشان می‌دهد (مهدوی و رستگاری، ۱۳۹۷؛ علوی طبری و پارسایی، ۱۳۹۸).

امکان اندازه‌گیری و مشاهده کیفیت حسابرسی قبل از انجام و یا در حین حسابرسی وجود ندارد؛ بنابراین برای ارزیابی کیفیت حسابرسی، به شاخص‌هایی نیاز است (تیتمن و ترومن، ۱۹۸۶). در این خصوص می‌توان به عوامل اندازه مؤسسه حسابرسی، سهم بازار، تعداد صاحب‌کاران، تعداد شرکای مؤسسه، سود عملیاتی مؤسسه حسابرسی و نوع گزارش حسابرسی اشاره کرد (دی‌آنجلو، ۱۹۸۱؛ باوهد و ویلکنز، ۲۰۰۴؛ هرمانسون و همکاران، ۲۰۰۷؛ دیلوت، ۲۰۱۰).

در پژوهش حاضر، می‌توان برای بررسی مبانی نظری کیفیت حسابرسی و ارزش‌های اقتصادی، از «تئوری نمایندگی»^۸، «تئوری بازارهای آزاد»^۹ و «تئوری بازارهای تحت نظارت»^{۱۰} استفاده کرد. از آنجائی که نسبت‌های اقتصادی شرکت را می‌توان تحت عنوان عملکرد شرکت دانست، لذا می‌توان از تئوری نمایندگی به عنوان تئوری اصلی در پژوهش حاضر استفاده کرد. بر اساس تئوری بازارهای آزاد، عرضه و تقاضای حسابرسی به عنوان یک خدمت باید از ویژگی‌های اقتصادی قانون عرضه و تقاضا تبعیت کند و مقررات و یا قانون، در آن نقشی ندارند. در مقابل، طبق تئوری نظریه بازارهای تحت نظارت، عرضه و تقاضای حسابرسی به عنوان یک خدمت اقتصادی، تابع الزامات تعیین‌شده در قوانین و مقررات است (فرانل، ۲۰۱۶). در این دیدگاه، آگاهی از تئوری‌های مالی و اقتصادی^{۱۱} بستر لازم جهت توصیف حسابرسی به عنوان یک فعالیت خدماتی را فراهم می‌سازد (لاری دشت‌بیاض و همکاران، ۱۳۹۹).

از دیدگاه تئوری نمایندگی، تضاد منافع بین حسابرس و صاحبکار وجود دارد. صاحبکار به دنبال افزایش مطلوبیت موردانتظار خود از طریق کاهش حق‌الزحمه حسابرسی، افشای کمتر اطلاعات و یا حتی تحریف صورت‌های مالی به نفع خود است (مارتینی و همکاران، ۲۰۱۶). از سوی دیگر، حسابرس نیز به دنبال بیشینه‌کردن مطلوبیت موردانتظار خود به وسیله افزایش حق‌الزحمه، کاهش زمان حسابرسی است (هوپ و همکاران، ۲۰۱۷). در عین حال، حسابرس در راستای افزایش کیفیت حسابرسی، کشف تحریفات با اهمیت و ارائه به‌موقع گزارش حسابرسی است، به نحوی که منعکس‌کننده وضعیت مالی صاحبکار طبق استانداردهای حسابرسی باشد، تلاش می‌کند (لی و همکاران، ۲۰۱۷).

۲-۳- مسئولیت اجتماعی

مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نشان‌دهنده میزان توجه شرکت به طور فعال در پاسخ به خواسته‌های ذی‌نفعان از جمله سهامداران، کارکنان، تأمین‌کنندگان و جامعه بطور وسیع‌تر است. به عبارتی دیگر،

مسئولیت اجتماعی شرکت اغلب به عنوان یک ابزار مؤثر برای بدست آوردن حمایت از جانب سهامداران، کسب اطمینان از استفاده مؤثر از منابع سازمانی، به دست آوردن حمایت از جانب رسانه‌ها، ارسال سیگنال‌های مشروعیت به جامعه و کاستن از مورد بررسی موشکافانه قرار گرفتن از سوی سرمایه‌گذاران و کارکنان است (اورلیزکی و همکاران، ۲۰۰۳). بطور خلاصه، محرک‌های گزارشگری مسئولیت اجتماعی ریشه در دو منبع قدرت دارد. در واقع شرکت به واسطه فشارهای وارده از سوی نهادهای قانون‌گذار و سهامداران مسئول به گزارشگری مسئولیت اجتماعی است. از یک سو دخالت دولت از طریق وضع ضوابط قانونی مجازات‌ها و از سوی دیگر، توجه سهامداران و ذی‌نفعان به آثار اجتماعی فعالیت شرکت‌ها، آنان را به پاسخ‌گویی در زمینه عملکرد اجتماعی سوق می‌دهد (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۴؛ سرلک و همکاران، ۱۳۹۹).

بنابراین، انتظار بر این است که شرکت‌ها برای نشان دادن رفتار مسئولیت اجتماعی اشتیاق داشته باشند و به دنبال سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در فعالیت‌های مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکت باشند. در این خصوص می‌توان به سرمایه‌گذاری‌های در حال انجام در فعالیت‌های تحقیق و توسعه برای کاهش آلودگی و انتشار گازهای گلخانه‌ای، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مرتبط به ترویج بهینه انرژی و تعمیر و نگهداری اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات با متوسط عملکرد زیست‌محیطی بالا برای صنعت خاص، اشاره کرد. هم‌چنین، جهت بررسی مسئولیت اجتماعی از دیدگاه تئوریک، می‌توان برای روشن‌تر شدن بحث از «تئوری اقتصاد سیاسی»^{۱۲} استفاده نمود. طبق این تئوری، هنگامی که یک سازمان درگیر فعالیت‌های اجتماعی نامطلوب می‌شود، با عدم تأیید جامعه مواجه شده و این امر به نابودی و ضعف عملکرد شرکت می‌شود (علی و همکاران، ۲۰۲۱). در این صورت، به‌منظور بهبود عملکرد و تنوع‌بخشی، مدیریت ممکن است اطلاعات مرتبط با فعالیت‌های زیست‌محیطی و اجتماعی سازمان را منتشر کند (نمازی و مقیمی، ۱۳۹۷).

۳- پیشنهاد پژوهش

موضوع این پژوهش تأثیر کیفیت حسابرسی بر ارزش افزوده شرکت‌ها با تأکید بر نقش میانجی مسئولیت اجتماعی است. مطالعه‌ای که تأثیر کیفیت حسابرسی را بر ارزش افزوده شرکت‌ها بررسی نموده باشد یافت نشد. هم‌چنین، در مطالعات پیشین، تاکنون متغیر مسئولیت اجتماعی به عنوان متغیر میانجی بر این رابطه بررسی نشده است، لذا به پژوهش‌هایی که نزدیک به حوزه این مطالعه

پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی
دوره ۱۳/ پیاپی ۵۲/ زمستان ۱۴۰۰

هستند در قالب پژوهش‌های مربوط به کیفیت حسابرسی، ارزش افزوده شرکتها و مسئولیت اجتماعی اشاره می‌شود تا الگوی پژوهش و انتخاب متغیرها تبیین شود.

۳-۱- پژوهش‌های مربوط به کیفیت حسابرسی

دیتارو همکاران (۱۹۹۱) نقش حسابرس و کیفیت حسابرسی در ارزش‌گذاری شرکت‌هایی که تازه در بورس اوراق بهادار نیویورک پذیرفته شده بودند را برای سال ۱۹۸۷ بررسی کردند. نتیجه پژوهش آنان نشان داد شرکت‌هایی که اقدام به انتشار اوراق کرده‌اند، بیشتر تمایل به انتخاب حسابرسان بزرگ دارند.

الاجمی (۲۰۰۹) اندازه مؤسسه حسابرسی، حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی را در کشور بحرین، با استفاده از تعداد ۳۰۰ نفر اعتباردهندگان و تحلیل‌گران صورت‌های مالی، به‌وسیله پرسش-نامه بررسی کرد. نتایج پژوهش وی نشان داد که از نظر اعتباردهندگان و تحلیل‌گران صورت‌های مالی، اندازه مؤسسه حسابرسی نقش بسزایی در ارتقای اعتبار صورت‌های مالی دارد. هم‌چنین، از نظر هر دو گروه، مؤسسات حسابرسی بزرگ دارای کیفیت گزارش حسابرسی بالاتری بودند.

گنزالز-دیز و همکاران (۲۰۱۵) دوره تصدی حسابرس و کیفیت حسابرسی را برای ۲۵۴ مؤسسه حسابرسی اسپانیایی در بازه زمانی ۲۰۱۰-۲۰۰۳ بررسی کردند. نتیجه پژوهش آنان نشان داد که هر چه دوره تصدی حسابرس افزایش یابد، کیفیت حسابرسی نیز ارتقا می‌یابد. مطلب جالب توجه این بود که این ارتقای کیفیت پس از گذشت ۵ سال از دوره تصدی حسابرس پدیدار می‌شد.

شارما و همکاران (۲۰۱۷) تغییر حسابرس، حق‌الزحمه حسابرسی و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی را برای ۷۴۵ شرکت بورسی نیویورک، در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که در صورتی که حسابرس شرکتها تغییر کند، حق‌الزحمه حسابرسی و هم‌چنین، تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی افزایش می‌یابد.

دمارتینی و تراکو (۲۰۱۷) کیفیت حسابرسی را بر اساس ارزیابی خطر حسابرسی بمنظور کاهش خطر ذاتی، خطر کنترل و خطر عدم کشف تحریفات با اهمیت در حسابرسی تشریح کردند. آنان رابطه بین خطر حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرس، ارزیابی خطر و تصمیم‌گیری در خصوص پذیرش صاحب‌کار و حاکمیت شرکتی و الگوی خطر حسابرسی در مواجهه با بحران‌های مالی جهانی را بصورت کمی و کیفی ذکر کردند.

دجادانگ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی ارتباط خودکارآمدی حسابرس با کیفیت حسابرسی با توجه به نقش تعدیلی فرهنگ فردگرایی پرداختند. آنان ۱۹۶ نفر از حسابرسان کشور مالزی را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که خودکارآمدی حسابرس موجب می‌شود کیفیت بررسی حسابرسی تقویت شود. هم‌چنین، وجود معیارهای فرهنگ فردگرایی در حسابرسان موجب می‌گردد ارتباط مثبت این رابطه در جهت منفی تعدیل شود و تأثیر خودکارآمدی در جهت منفعت طلبانه کیفیت حسابرسی را کاهش می‌دهد.

حساس‌یگانه و آذین‌فر (۱۳۸۹) به بررسی رابطه بین تحریفات کشف‌شده و اندازه مؤسسه حسابرسی، برای تعداد ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۸۰، پرداختند. آنان متغیرهای کشف تحریفات و گزارش آن‌ها را به عنوان متغیرهای کیفیت حسابرسی مورد آزمون قرار دادند. نتیجه پژوهش آنان نشان داد که بین عامل تحریفات کشف و گزارش شده و اندازه مؤسسه حسابرسی، رابطه معنادار و معکوس وجود دارد.

مهدوی و حسینی‌نیا (۱۳۹۴) اثربخشی کیفیت حسابرسی بر کاهش تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی را برای ۶۴ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های حاکی از آن بود که بین نوع اظهارنظر حسابرس و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ اما بین تغییر حسابرس و تخصص حسابرس در صنعت و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی، رابطه معناداری مشاهده نشد.

حاجی‌ها و ابراهیمی (۱۳۹۵) رابطه بین اظهارنظر حسابرس، قیمت و حجم معاملات سهام را برای تعداد ۷۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۵ بررسی کردند. نتیجه پژوهش آنان نشان داد که بین نوع اظهارنظر حسابرس با قیمت سهام و حجم معاملات سهام رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

مهدوی و نمازی (۱۳۹۶) به بررسی تدوین الگوی رابطه بین متغیرهای کیفیت حسابرسی با استفاده از رویکرد علت و معلولی سیستم‌های پویا پرداختند. آن‌ها داده‌های ۱۰۱ شرکت را در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که عوامل رعایت استانداردها و اجرای حرفه‌ای بوسیله حسابرس، درصد تحریفات کشف و گزارش شده، نوع اظهارنظر حسابرس، تأخیر در گزارش حسابرسی، طول دوره تصدی حسابرس و تخصص حسابرس و شناخت وی از صنعت در الگوی علت و معلولی کیفیت حسابرسی، با لحاظ رابطه متقابل، بر یکدیگر تأثیر معنادار دارند.

لاری دشت‌بیاض و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی مبانی تعدیل اظهارنظر حسابرسان و مدیریت سود پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که مدل‌های مدیریت سود تأثیر کمی بر نوع اظهارنظر حسابرسان دارند و اظهارنظر حسابرسان تحت تأثیر روش‌های مختلف مدیریت قرار نمی‌گیرد.

۳-۲- پژوهش‌های مربوط به ارزش افزوده شرکت‌ها

لی و کیم (۲۰۰۹) به مطالعه نسبت‌های EVA و MVA در صنعت بیمارستان پرداختند. آنان به این نتیجه رسیدند که نسبت MVA برای ارزیابی عملکرد در این صنعت، معیاری بسیار مناسب است. چارواندیسواوات (۲۰۱۱) به بررسی قدرت توضیحی معیارهای مختلف حسابداری (ROA, EPS, ROE, ROS) و معیارهای مبتنی بر ارزش افزوده (EVA و MVA) برای ارزیابی عملکرد شرکت‌ها در بازده سهام بورس تایلند پرداختند. یافته‌های وی نشان داد که معیارهای حسابداری، نسبت به EVA و MVA رابطه بیشتری با بازده سهام دارند.

شن و همکاران (۲۰۱۵) نیز با بررسی نسبت EVA به عنوان یکی از معیارهای مهم ارزیابی عملکرد، به این نتیجه رسیدند که این عامل در سطح نگهداری وجه نقد شرکت‌ها بسیار مؤثر است.

نخیلی و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی نقش تعدیلی شرکت‌های خانوادگی در رابطه بین گزارش مسئولیت اجتماعی و ارزش بازار شرکت پرداختند. مطالعه آن‌ها نشان داد که عملکرد مبتنی بر بازار که با Q توبین اندازه‌گیری می‌شود، با افشای مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های خانوادگی رابطه‌ای مثبت و با افشای مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های غیرخانوادگی رابطه‌ای منفی دارد.

مارتینلی و همکاران (۲۰۲۰) کارایی زیست‌محیطی سیستم‌های تولید طیور را با استفاده از ارزش افزوده اقتصادی ارزیابی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که درآمد خالص عملیاتی و سرمایه به کار رفته متغیرهایی با بیشترین و کمترین تأثیر بر ارزش افزوده اقتصادی در انواع تولید هستند.

حجازی و حسینی (۱۳۸۵) با بررسی نسبت‌های ارزش افزوده اقتصادی و ارزش افزوده بازار به این نتیجه رسیدند که بین این دو نسبت رابطه قوی وجود دارد و شاخص ارزیابی داخلی و خارجی مناسبی هستند.

صالح‌آبادی و احمدپور (۱۳۸۹) همبستگی بین ارزش افزوده اقتصادی، ارزش افزوده بازار و سرمایه را در بورس اوراق بهادار تهران بررسی نمودند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که ارتباط و همبستگی مثبت و معنادار بین EVA و MVA با سرمایه وجود دارد.

رضایی و مولودی (۱۳۸۹) رابطه بین ارزش افزوده اقتصادی، جریان نقد آزاد و سود باقیمانده با ارزش ایجاد شده برای سهامداران را در تعداد ۷۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۷-۱۳۸۳ بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که مدل ارزش افزوده اقتصادی و نقدی قوی ترین مدل برای پیش بینی ارزش و عملکرد است.

طالبنیا و شجاع (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی نسبت ارزش افزوده بازار به سود حسابداری و نسبت ارزش افزوده اقتصادی به سود حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس پرداختند. آنها داده های شرکت های بورسی را برای سال های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ مورد بررسی قرار دادند. یافته ها حاکی از آن بود که بین سود-ارزش افزوده بازار و سود-ارزش افزوده اقتصادی، رابطه مثبت و ضعیفی وجود دارد.

نمازی و نمازی (۱۳۹۵) به رتبه بندی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اقدام کردند. آنان از معیارهای EVA و MVA به عنوان ارزش افزوده اقتصادی استفاده نمودند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که شاخص های ارزش افزوده اقتصادی با نسبت های سنتی و نوین مالی رابطه معنادار ندارند.

محمدی و بهمنی (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر متغیرهای مبتنی بر ارزش شرکت پرداختند. آنها داده های ۱۰۰ شرکت بورسی را برای سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار دادند. یافته ها حاکی از آن بود که بین حاکمیت شرکتی با ارزش افزوده اقتصادی و همچنین ارزش افزوده بازار رابطه معناداری وجود دارد.

۳-۳- پژوهش های مربوط به مسئولیت اجتماعی

گیول (۲۰۰۷) به بررسی نقش مسئولیت اجتماعی در صنعت شیمیایی آمریکا پرداخت. وی به این نتیجه رسید که بر خلاف استدلال هایی که در خصوص مسئولیت اجتماعی شرکت ها بیان می شود، توجه به این امر برای سهامداران اهمیت زیادی دارد. همچنین، با حمایت از قوانین عمومی، بهداشت و مقررات مربوط به محصولات شیمیایی، مسئولیت اجتماعی بیشتر توسط شرکت ها اهمیت داده می شود.

ماکرین اسکینه و بلاکیناس (۲۰۱۵) مسئولیت اجتماعی را در فعالیت کارگزاران ارزی مطالعه کردند. آنان فعالیت های ارائه شده در وب سایت های محبوب ترین کارگزاران فارکس لیتوانیایی با اطلاعات ارائه شده توسط بزرگترین کارگزاران ارز مقایسه کردند. نتایج پژوهش نشان داد که بزرگترین

پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی
دوره ۱۳/ پیاپی ۵۲/ زمستان ۱۴۰۰

کارگزاران، بیشتر از فعالیت توجه کارگزاران در لیتوانی، خود را درگیر فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی می‌کنند.

نتایج پژوهش یان‌یونگ و همکاران (۲۰۱۸) حاکی از آن بود که مسئولیت اجتماعی برای کسب‌وکار به‌عنوان مزیتی رقابتی عمل می‌کند. آنان دریافتند که آگاهی سهامداران از مسئولیت اجتماعی در صنعت رستوران، رابطه عملکرد اجتماعی و مالی را تعدیل کرده و به افزایش سود مالی شرکت می‌انجامد.

سوریکوزی و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهش‌های خود در کشور یونان دریافتند که بین مسئولیت اجتماعی و حق‌الزحمه حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، لکن این رابطه در شرکت‌هایی که دارای چارچوب مشخص و تنظیم‌شده برای گزارشگری مسئولیت اجتماعی هستند، منفی و معنادار است، به عبارت دیگر در این شرکت‌ها تلاش حسابررس کمتر می‌شود که منجر به کاهش حق‌الزحمه حسابرسی می‌گردد.

علی و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی ابعاد مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها پرداختند. یافته‌ها آنان نشان داد که مسئولیت اجتماعی بر ارزش‌آفرینی سازمان‌ها مؤثر است. افزون بر این، ادغام طرح‌های مسئولیت اجتماعی در سیاست‌های اداری و رویه‌های مدیریتی برای تأثیرپذیری معنادار برای دانشگاه‌ها ضروری است. همچنین، این واقعیت را روشن ساخت که مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها از نظر ماهیت با مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها متفاوت است، زیرا ماهیت عملیات و اهداف نهادی آن‌ها ذاتاً با سازمان‌های تجاری یکسان نیست.

نمازی و مقیمی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر نوآوری و نقش تعدیلی مسئولیت اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت‌ها در صنایع مختلف پرداختند. آن‌ها ۱۸۴ شرکت بورسی را در بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها حاکی از آن بود که هنگامی که مسئولیت اجتماعی به‌عنوان متغیر تعدیلی در نظر گرفته می‌شود، قدرت مدل در تمامی صنایع افزایش پیدا می‌کند، اما تأثیر آن در صنعت کاشی، سیمان، آهک و گچ و هم‌چنین صنعت کانی‌ها بیشتر از سایر صنایع است. برادران حسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر ارتباط سیاسی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت با تأکید بر رقابت بازار محصول پرداختند. آن‌ها داده‌های ۶۰ شرکت را در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که افزایش ارتباطات سیاسی موجب افزایش تعهدات اجتماعی می‌شود و مدیران تمایل بیشتری به پاسخ‌گویی دارند.

۴- فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش، با استفاده از مبانی نظری، پیشینه‌های داخلی و خارجی و الگوی مفهومی پژوهش، فرضیه‌های زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: کیفیت حسابرسی بر ارزش افزوده شرکتها تأثیر دارد.

فرضیه دوم: کیفیت حسابرسی بر مسئولیت اجتماعی شرکتها تأثیر دارد.

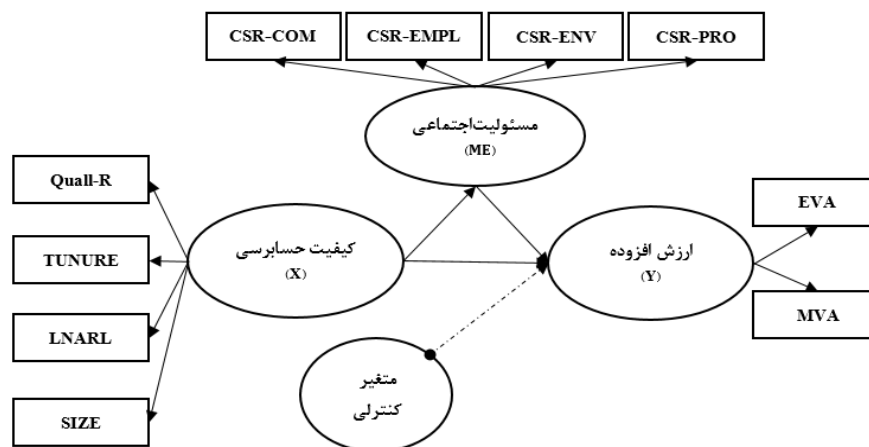
فرضیه سوم: مسئولیت اجتماعی بر ارزش افزوده شرکتها تأثیر دارد.

فرضیه چهارم: مسئولیت اجتماعی، به عنوان یک متغیر میانجی، بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و ارزش افزوده شرکتها تأثیر دارد.

۵- روش‌شناسی و الگوی پژوهش

این پژوهش جزء پژوهش‌های کمی قرار می‌گیرد و کاربردی است. طرح پژوهش آن از نوع شبه‌تجربی و با استفاده از رویکرد پس‌رویدادی یک‌باره (از طریق اطلاعات گذشته) است. زمانی از روش پس‌رویدادی استفاده می‌شود که پژوهش‌گر پس از وقوع رویدادها به بررسی موضوع می‌پردازد و همچنین امکان دست‌کاری متغیرهای مستقل وجود ندارد (نمازی، ۱۳۸۹). جهت بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش از روش کتابخانه‌ای استفاده شد. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز شرکت‌های انتخابی از طریق مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران موجود در سامانه کدال و نرم‌افزار ره‌آورد نوین نسخه ۳ جمع‌آوری شد. نهایتاً داده‌ها از طریق نرم‌افزار اکسل آماده و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده از آمار توصیفی، بررسی روایی و پایایی متغیرهای پژوهش، تأثیر متغیرهای پژوهش و آزمون‌های استنباطی با استفاده از معادلات ساختاری (SEM^۳) و نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۵ و Smart PLS نسخه ۲ انجام شده است.

الگوی مفهومی پژوهش بر اساس مبانی نظری ارائه شده در خصوص متغیرها، رابطه علی، زیرمجموعه متغیرها و همچنین تأثیر متقابل آن‌ها طراحی شده است. شکل شماره ۱ این الگوی و چگونگی تأثیر متغیرهای مستقل، وابسته، میانجی و کنترلی را نشان می‌دهد. شرح روابط علی بین متغیرها در بخش‌های بعد ارائه می‌گردد.



شکل ۱- الگوی مفهومی پژوهش
منبع: یافته‌های پژوهشگر

۱-۵- متغیرهای پژوهش

با توجه به بررسی مبانی نظری، پیشینه پژوهش و شکل شماره ۱، متغیرهای پژوهش حاضر به چهار گروه متغیرهای وابسته، مستقل، میانجی و کنترلی تفکیک می‌شوند.

۱-۱-۵- متغیر وابسته

متغیر وابسته پژوهش حاضر، ارزش افزوده است. به منظور اندازه‌گیری ارزش افزوده، مطابق با پژوهش‌های استوارت، (۱۹۹۴ و ۱۹۹۵)؛ بیدل و همکاران، (۱۹۹۹)؛ شن و همکاران، (۲۰۱۵)؛ حجازی و حسینی، (۱۳۸۵)؛ نمازی و نمازی (۱۳۹۵) از دو سنجه نرخ ارزش افزوده اقتصادی (EVA) و ارزش افزوده بازار (MVA) به شرح زیر استفاده شد. ارزش افزوده اقتصادی (EVA): این سنجه بصورت رابطه ۱ محاسبه می‌شود:

$$EVA = NOPAT - K_W(Capital_{t-1}) \quad (1)$$

پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابداری
دوره ۱۳ / پیاپی ۵۲ / زمستان ۱۴۰۰

NOPAT: سود عملیاتی خالص پس از کسر مالیات، بعلاوه هر گونه افزایش ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، ذخیره ارزشیابی بر مبنای اولین صادره از آخرین وارده، استهلاک سرفقلى، خالص مبالغ سرمایه گذاری شده به عنوان هزینه های تحقیق و توسعه و سایر سودهای عملیاتی؛

K_W : میانگین موزون هزینه سرمایه؛ و

$Capital_{t-1}$: مجموع ارزش دفتری سرمایه ابتدای دوره t است.

میانگین موزون سرمایه به شرح رابطه ۲ طبق (حجازی و حسینی، ۱۳۸۵؛ نمازی و نمازی، ۱۳۹۵) محاسبه می شود (با توجه به این که در ایران سهام ممتاز وجود ندارد، در رابطه زیر وزن و نرخ هزینه سهام ممتاز، صفر در نظر گرفته شده است):

$$K_W = (W_d \times K_d) + (W_p \times K_p) + (W_s \times K_s) \quad (2)$$

در این رابطه:

W_d : وزن بدهی؛

K_d : نرخ هزینه بدهی پس از در نظر گرفتن اثر مالیات؛

W_p : وزن سهام ممتاز؛

K_p : نرخ هزینه سهام ممتاز؛

W_s : وزن حقوق صاحبان سهام؛ و

K_s : نرخ هزینه حقوق صاحبان سهام (نرخ هزینه سهام عادی، سود انباشته و اندوخته ها) که از مدل گوردون به شرح رابطه ۳ محاسبه گردیده است:

$$K_s = \frac{D_0(1+g)}{P_0} + g \quad (3)$$

D_0 : سود نقدی هر سهم در دوره جاری؛

P_0 : قیمت جاری بازار هر سهم؛ و

g : نرخ رشد سود سهام (این عامل از حاصل ضرب نسبت انباشت سود در بازده حقوق صاحبان سهام به دست آمده است).

ارزش افزوده بازار (MVA)

میانگین ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام - میانگین ارزش بازار حقوق صاحبان سهام طی سال $MVA =$

۵-۱-۲- متغیر مستقل

در این پژوهش، کیفیت حسابرسی به عنوان متغیر مستقل مطابق با پژوهش‌های دی‌آنجلو (۱۹۸۱)، دیفوند (۱۹۹۲)؛ بگلی و فیشر (۱۹۹۸)؛ لی و هو (۲۰۰۴)؛ کولینان و همکاران (۲۰۱۲)؛ مهدوی و نمازی (۱۳۹۶)؛ نمازی (۱۳۹۶) در نظر گرفته شد. برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، از چهار متغیر نوع اظهارنظر حسابرس (Qual-R)، دوره تصدی حسابرس (TUNURE)، تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی (LNARL) و اندازه حسابرس (BIG) استفاده شد. نحوه اندازه‌گیری این متغیرها به شرح زیر است:

نوع اظهارنظر حسابرس (Qual-R): ارزش‌گذاری این متغیر بر اساس نوع اظهارنظر حسابرس: برای گزارش مقبول عدد ۴، گزارش مشروط عدد ۳، گزارش عدم اظهارنظر عدد ۲ و برای گزارش مردود عدد ۱ در نظر گرفته شده است.

دوره تصدی حسابرس (TUNURE): میزان سالی که یک حسابرس در دوره پژوهش، تصدی حسابرسی شرکت خاصی را بر عهده داشته باشد.

تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی (LNARL): فاصله زمانی پایان دوره مالی (پایان اسفند) تا تاریخ گزارش حسابرسی است.

اندازه حسابرس (BIG): به دلیل در اختیار داشتن کارمندان و مدیران زیاد، سازمان حسابرسی به عنوان حسابرس بزرگ در نظر گرفته شد. با بررسی گزارش‌های حسابرسی، اگر حسابرس شرکت، سازمان حسابرسی بود عدد ۱، در غیر این صورت، عدد صفر برای اندازه حسابرس در نظر گرفته شد.

۵-۱-۳- متغیر میانجی

در این پژوهش با توجه به هدف پژوهش و مبانی نظری و پیشینه پژوهش مارتینز-کونسا و همکاران (۲۰۱۷)، یان‌یونگ و همکاران (۲۰۱۸)، فرل و همکاران (۲۰۱۹) و نمازی و مقیمی (۱۳۹۷)، برادران حسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۸)، مسئولیت اجتماعی به عنوان متغیر میانجی در نظر گرفته شد. طبق فرضیه پژوهش، کیفیت حسابرسی علاوه بر تأثیر مستقیم بر ارزش افزوده شرکت‌ها، دارای تأثیر غیرمستقیم نیز می‌باشد. تأثیر غیرمستقیم، از طریق ایجاد زنجیره علی بین کیفیت حسابرسی، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و ارزش افزوده ایجاد می‌گردد. مبانی نظری این استدلال منطبق بر تعریف متغیر میانجی که در ادبیات روش تحقیق (بارون و کنی، ۱۹۸۶ و نمازی و نمازی، ۲۰۱۶) نیز ذکر شده می‌باشد.

برای اندازه‌گیری مسئولیت اجتماعی شرکتها از معیارهای مؤسسه آمریکایی معروف به KLD^{۱۴}، مطابق با چهار معیار اجتماعی و زیست‌محیطی رتبه‌بندی و استفاده شد. مسئولیت اجتماعی دارای چهار بعد مشارکت اجتماعی، روابط کارکنان، محیط‌زیست و ویژگی‌های محصولات است که هر بعد قوت و ضعف‌های مخصوص خود را دارد.

$$CSR\ Score = CSR_{COM} + CSR_{EMPL} + CSR_{ENV} + CSR_{PRO} \quad (۴)$$

CSR Score: نمره کلی مسئولیت اجتماعی؛

CSR_{COM}: نمره افشای مشارکت اجتماعی؛

CSR_{EMPL}: نمره افشای روابط کارکنان؛

CSR_{ENV}: نمره افشای محیط‌زیست؛ و

CSR_{PRO}: نمره افشای ویژگی‌های محصول است.

جدول ۱- ابعاد کیفی مسئولیت اجتماعی

ضعف‌ها	قوت‌ها	ابعاد مسئولیت اجتماعی
اثر منفی اقتصادی (تأثیر منفی بر کیفیت زندگی، تعطیلی کارخانه) و عدم پرداخت مالیات	کمک‌های خیریه و کمک‌های نوآورانه (کمک به سازمان‌های غیرانتفاعی و مشارکت در طرح‌های عمومی)	مشارکت اجتماعی
ضعف بهداشت و ایمنی و کاهش نیروی کار	به اشتراک گذاشتن سود نقدی و مزایای بازنشستگی	روابط کارکنان
تولید زباله‌های خطرناک و پرداخت جریمه به دلیل نقش مدیریت زباله	انرژی پاک (استفاده از سوخت با آلودگی کمتر) و کنترل آلودگی هوا و کاهش گاز گلخانه‌ای	محیط‌زیست
پرداخت جریمه در مورد ایمنی محصول و پرداخت جریمه برای تبلیغات منفی	کیفیت محصول و ایمنی محصول	ویژگی‌های محصول

(منبع: نمازی و مقیمی، ۱۳۹۷)

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۵-۱-۴- متغیر کنترلی

در پژوهش حاضر، برای کنترل چند متغیر دیگر که ممکن است تأثیر کیفیت حسابرسی و ابعاد مالیاتی را تغییر دهند، متغیرهای کنترلی شامل اهرم مالی (LEV) و بازده دارایی‌ها (ROA)، همانند پژوهش‌های ملودیک و همکاران (۲۰۱۵) و چینگ و همکاران (۲۰۱۶) در نظر گرفته شده است. نحوه اندازه‌گیری این متغیرها به شرح زیر است:

اهرم مالی (LEV): تقسیم کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت.

بازده دارایی‌ها (ROA): تقسیم سود (زیان) خالص به مجموع دارایی‌های شرکت.

۵-۲- جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری مورد آزمون شامل کلیه‌ی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران برای یک دوره ۱۰ ساله از سال ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۷ است؛ اما به دلیل ایجاد یکنواختی بیشتر در نمونه‌ها، شرایط زیر برای انتخاب نمونه آماری مدنظر قرار گرفت:

- ۱) به منظور همگن بودن نمونه سال مالی آن‌ها پایان اسفند هر سال باشد.
- ۲) در دوره زمانی، شرکت‌های مورد مطالعه تغییر سال مالی نداده باشند.
- ۳) شرکت‌هایی که تاریخ پذیرش آن‌ها در سازمان بورس اوراق بهادار قبل از سال ۱۳۸۸ بوده و تا پایان سال ۱۳۹۷ نیز در فهرست شرکت‌های بورسی باشند.
- ۴) شرکت‌های نمونه جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی اعم از شرکت‌های لیزینگ، هلدینگ، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشند؛ زیرا افشای اطلاعات آن‌ها متفاوت است. با توجه به توضیحات ارائه شده، تعداد ۱۰۱ شرکت (۱۰۱۰ سال - شرکت) در بازه زمانی ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۷، شرایط لازم را برای موارد مذکور دارا بوده و به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱- آمار توصیفی

جدول ۲ آماره توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. بر طبق این جدول، میانگین اظهارنظر حسابرسی ۳/۲۲۶ است که نشان می‌دهد اکثر گزارش‌های حسابرسی مشروط و مقبول بوده است. هر حسابرسی به طور میانگین، ۳ تا ۴ سال تصدی حسابرسی هر شرکت را برعهده داشته است که مطابق با دستورالعمل سازمان بورس و اوراق بهادار تهران است. میانگین تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی

۷۷ روز است که این مقدار نشان دهنده بازه معقولی تا تاریخ مجمع شرکتها می باشد. سازمان حسابرسی، خدمات حسابرسی حدود ۳۰ درصد از شرکتها مورد مطالعه را انجام داده است. میانگین مسئولیت اجتماعی برابر با ۲/۱۶۰ است که از طریق کسر نقاط قوت از نقاط ضعف عملکرد مسئولیت اجتماعی بدست آمده است. مقدار حداقل مسئولیت اجتماعی، عملکرد ضعیف شرکتها را در بکارگیری مسئولیت اجتماعی نشان می دهد. افزون بر این، اهرم مالی با نمایش عدد ۰/۵۷۵ نیز نشان دهنده آن است که در حدود نیمی از دارایی های شرکتها از محل بدهی ها تأمین شده است. همچنین، میانگین بازده دارایی های شرکتها ۰/۱۲۶ است؛ که بیانگر این است که در کل، عملکرد شرکتها زیاد مناسب نبوده است.

جدول ۲- آماره توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	آماره	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	دامنه تغییرات
Qual-R	۳/۲۲۶	۱/۰۱۷	۱	۱	۴	۳
TUNURE	۰/۳۳۲	۰/۴۷۱	۰	۰	۱	۱
LNARL	۷۷/۰۶۳	۲۸/۶۰۰	۲۱	۲۱	۱۱۸	۹۷
SIZE	۰/۲۹۲	۱	۰	۰	۱	۱
KLD	۲/۱۶۰	۱/۲۱۶	-۴	-۴	۱۰	۱۴
EVA	۰/۲۶۰	۰/۲۱۴	-۰/۲۱۳	-۰/۲۱۳	۲/۱۱۸	۲/۳۳۱
MVA	۰/۱۴۴	۰/۰۸۲	-۹/۵۲۶	-۹/۵۲۶	۱/۲۷۴	۱۰/۸۰۱
LEV	۰/۵۷۵	۰/۲۸۴	۰/۰۲۵	۰/۰۲۵	۱/۶۷۱	۱/۶۴۶
ROA	۰/۱۲۶	۰/۲۹۳	-۴/۰۶	-۴/۰۶	۰/۶۲۶	۱/۰۳۳

منبع: یافته های پژوهشگر

۲-۶- تحلیل استنباطی یافته ها

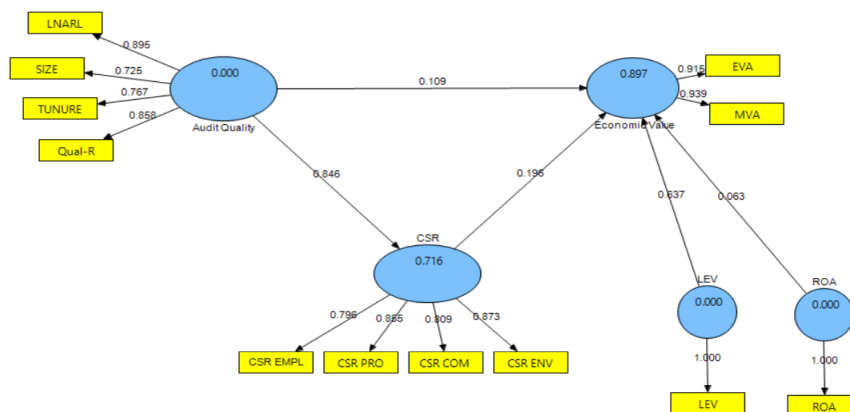
با توجه به دانش آمار و ریاضی از مدل سازی معادلات ساختاری به منظور تحلیل و بررسی عمیق تر داده های پژوهش استفاده می شود.

۳-۶- ضرایب بارهای عاملی و قدرت الگو

بارهای عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی پرسش های یک متغیر با آن متغیر محاسبه می شوند که اگر این مقدار برابر و یا بیشتر از مقدار ۰/۴ باشد (هولاند، ۱۹۹۹)، نشان می دهد که واریانس بین

پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی
دوره ۱۳/ پیاپی ۵۲/ زمستان ۱۴۰۰

متغیر و سازه‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن متغیر بیشتر بوده و پایایی مدل اندازه‌گیری قابل قبول می‌باشد. شکل ۲ بیان‌گر این مفهوم است که تمامی روابط بین متغیرها و سازه‌های پژوهش، از ۰/۴ بیشتر است. همچنین، شکل ۲، مقدار R^2 را برای سازه ارزش افزوده نشان می‌دهد. مقدار R^2 سازه ارزش افزوده، ۰/۸۹۷ محاسبه شده است که با توجه به سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به عنوان ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی، مناسب بودن برازش مدل را تأیید می‌کند. ضریب استاندارد شده مسیر (β) میان متغیر کیفیت حسابرسی و ارزش افزوده ۰/۱۰۹ می‌باشد. این مقدار مؤید این است که احتمال دارد کیفیت حسابرسی به میزان ۰/۱۰٪ از تغییرات ارزش افزوده شرکت‌ها را تبیین کند.



شکل ۲- ضرایب بارهای عاملی و مقدار R^2
منبع: یافته‌های پژوهشگر

۴-۶- پایایی ترکیبی و روایی همگرا

پایایی یا قابلیت اعتماد مشخص می‌سازد که ابزار اندازه‌گیری در صورت اجرا در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی دارد که در پژوهش حاضر از طریق معیارهای آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده می‌شود. روش حداقل مربعات جزئی معیار مدرن تری نسبت به آلفای کرونباخ به نام پایایی ترکیبی (CR) به کار می‌برد که مقدار پایایی ترکیبی برای هر متغیر باید بالاتر از ۰/۷ باشد. علاوه بر پایایی، روایی همگرا به بررسی همبستگی هر متغیر با سنجه‌های خود می‌پردازد. این معیار در روش

حداقل مربعات جزئی، معیار AVE می باشد که مقدار مناسب آن ۰/۵ است و اگر کمتر از این عدد باشد، روایی همگرا مدل زیر سؤال می رود (داوری و رضازاده، ۱۳۹۵).
 بر طبق جدول شماره ۳، با توجه به این که مقدار مناسب برای آلفای کرونباخ ۰/۷، پایایی ترکیبی (CR) ۰/۷ و برای روایی همگرا (AVE) برابر با ۰/۵ است، تمامی معیارها در مورد متغیرها، مقدار مناسبی را اتخاذ کرده است. در نهایت، می توان وضعیت پایایی ترکیبی و روایی همگرای متغیرهای پژوهش و سازه ها را مناسب دانست. جدول ۳، مقادیر مربوطه را نشان می دهد.

جدول ۳- پایایی ترکیبی و روایی همگرا

سازه های اصلی	آلفا کرونباخ (CA)	پایایی ترکیبی (CR)	روایی همگرا (AVE)
کیفیت حسابداری	۰/۸۲۸	۰/۸۸۶	۰/۶۶۲
ارزش افزوده	۰/۸۳۷	۰/۸۲۴	۰/۶۵۹
مسئولیت اجتماعی	۰/۸۵۳	۰/۸۰۱	۰/۶۹۵
اهرم مالی	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
بازده دارایی ها	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰

منبع: یافته های پژوهشگر

۵-۶- روایی واگرا

در پژوهش حاضر، جهت سنجش روایی، از روش فورنل و لارکر، استفاده شد. فورنل و لارکر (۱۹۸۱)، برای بررسی روایی واگرا، ماتریسی را ارائه دادند که مشابه ماتریس نشان داده شده در جدول ۴ است، با این تفاوت که قطر اصلی این ماتریس برابر جذر مقادیر AVE سازه های پنهان است. جدول ۴، ماتریس فورنل و لارکر برای پژوهش حاضر را نشان می دهد.

جدول ۴- روایی واگرا (ماتریس فورنل و لارکر)

ارزش افزوده	مسئولیت اجتماعی	کیفیت حسابداری	
		۰/۸۱۳	کیفیت حسابداری
	۰/۸۱۱	۰/۷۴۶	مسئولیت اجتماعی
۰/۸۳۳	۰/۷۵۲	۰/۷۲۸	ارزش افزوده

منبع: یافته های پژوهشگر

پژوهش های حسابداری مالی و حسابداری
 دوره ۱۳ / پایانی ۵۲ / زمستان ۱۴۰۰

همان طور که از جدول ۴ مشخص است، مقادیر موجود در روی قطر اصلی ماتریس، از کلیه مقادیر موجود در ستون مربوط به آن بزرگتر است که در مدل پژوهش حاضر دارای اعتبار تشخیص مناسبی است.

۶-۶- معیار Q^2

جدول ۵، قدرت پیش‌بینی الگو را نشان می‌دهد. این معیار تنها برای سازه‌های درون‌زای مدل که شاخص‌های آن از نوع انعکاسی می‌باشد، محاسبه می‌گردد. اگر مقدار قدرت یک سازه درون‌زای ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ بدست آید، به ترتیب نشان‌دهنده قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی سازه یا سازه‌های مربوط به آن است؛ بنابراین، قدرت مدل پژوهش در سطح قوی و مناسب است. این مقدار نشان‌دهنده مقدار مناسب برای متغیرها و قدرت پیش‌بینی الگو می‌باشد.

جدول ۵- مقدار Q^2 در پیش‌بینی الگو

سازه	سازه‌های اصلی	1- SSE/SSO
سازه‌های اصلی	ارزش افزوده	۰/۶۵۸
	مسئولیت اجتماعی	۰/۴۹۳

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۶-۷- معیار GOF

مهم‌ترین شاخص برازش مدل در تکنیک حداقل مربعات جزئی، شاخص GOF است. کلیت الگو، شامل هر دو بخش الگوی اندازه‌گیری و الگوی ساختاری می‌شود و با تأیید برازش آن، بررسی در یک الگو کامل می‌شود. جهت بررسی برازش کلی الگو، از معیار GOF استفاده می‌شود. معیار GOF مربوط به بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است که توسط این معیار پژوهش‌گر می‌تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش خود، برازش بخش کلی را نیز کنترل نماید. برای بررسی برازش در یک مدل کلی تنها یک معیار به نام GOF استفاده می‌شود. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵، ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است (داوری و رضاده، ۱۳۹۵). این معیار از طریق فرمول ۵ محاسبه می‌شود:

$$GOF = \sqrt[2]{Communalities \times R^2}$$

پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابداری
دوره ۱۳ / پیاپی ۵۲ / زمستان ۱۴۰۰

که در این رابطه:

مقدار $\overline{Communalities}$ از میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای پنهان و $\overline{R^2}$ نیز، از میانگین مقادیر ضریب تعیین به دست می‌آید. مقدار میانگین مقادیر اشتراکی برابر با ۰/۵۱۸ است و مقدار میانگین R^2 برابر با ۰/۵۳۷ برابر

$$GOF = \sqrt[3]{0/518 \times 0/537} = \sqrt[3]{0/278} = 0/527 \text{ (۶)}$$

با توجه به سه مقدار ۰/۰۱؛ ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF، حاصل شدن ۰/۵۲۷، نشان از قوی و مناسب بودن الگوی پژوهش را دارد.

۸-۶- آزمون فرضیه‌های پژوهش

مطابق با الگوریتم، برای بررسی مدل ساختاری پژوهش از چندین معیار استفاده می‌شود که اولین و اساسی‌ترین معیار، ضرایب معناداری Z یا همان t-value است. برازش مدل ساختاری با استفاده از ضرایب t به این صورت است که اگر تعداد نمونه بیشتر از ۱۲۰ باشد، مقادیر بیشتر از بازه ۱/۹۶ تا ۱/۹۶- در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار تلقی می‌گردد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۵).

جدول ۶- آزمون فرضیه‌های پژوهش

مسیر	R ²	آماره t	ضریب β	نتیجه
فرضیه اول	۰/۸۹۷	۲/۲۷۲	۰/۱۰۹	تأیید فرضیه
فرضیه دوم	۰/۷۱۶	۷/۶۰۷	۰/۸۴۶	تأیید فرضیه
فرضیه سوم	۰/۸۹۷	۴/۰۰۴	۰/۱۹۶	تأیید فرضیه
فرضیه چهارم	۰/۷۱۶	۳/۹۸۸	۰/۶۰۲	تأیید فرضیه

منبع: یافته‌های پژوهشگر

فرضیه اول: فرضیه اصلی پژوهش این بود که کیفیت حسابرسی بر ارزش افزوده شرکتها تأثیر دارد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش مندرج در جدول ۶، نشان داد که مقدار آماره t و معناداری مربوط به این آماره، از لحاظ آماری معنادار است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪، مقدار عدد آزمون در سطح آلفای ۰/۰۵ بیشتر از ۱/۹۶ است (t-value= ۲/۲۷۲). همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقدار آماره t بیشتر از ۱/۹۶ است، بنابراین فرضیه

پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی
دوره ۱۳/ پیاپی ۵۲/ زمستان ۱۴۰۰

پژوهش در سطح خطای ۵٪ تأیید می‌گردد. با توجه به ضریب مسیر ($\beta = 0/109$) نشان می‌دهد که ضریب مسیر میان دو متغیر کیفیت حسابرسی و ارزش افزوده مثبت است ($R^2 = 0/897$)؛ بنابراین، از لحاظ علم آمار و احتمال، طبق یافته‌های پژوهش حاضر، کیفیت حسابرسی بر ارزش افزوده تأثیر مثبت دارد و کیفیت حسابرسی می‌تواند عاملی مؤثر در افزایش ارزش افزوده شرکتها باشد. این عامل می‌تواند بیان‌گر نقش مهم حسابرسی در بررسی صورت‌های مالی شرکت‌های بورسی را نشان دهد.

فرضیه دوم: فرضیه دوم پژوهش این بود که کیفیت حسابرسی بر مسئولیت اجتماعی شرکتها تأثیر دارد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم مندرج در جدول ۶، نشان داد که مقدار آماره t و معناداری مربوط به این آماره، از لحاظ آماری معنادار است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی نشان داد که در سطح اطمینان ۹۵٪، مقدار عدد آزمون در سطح آلفای ۰/۰۵ بیشتر از ۱/۹۶ است ($R^2 = 0/716$) است (t -value). همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقدار آماره t بیشتر از ۱/۹۶ است، بنابراین فرضیه پژوهش در سطح خطای ۵٪ تأیید می‌گردد. با توجه به ضریب مسیر ($\beta = 0/846$) نشان می‌دهد که ضریب مسیر میان دو متغیر کیفیت حسابرسی و مسئولیت اجتماعی مثبت است ($R^2 = 0/716$). بر طبق داده‌های آماری، بیان می‌شود که کیفیت حسابرسی بر مسئولیت اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری دارد و حسابرسی می‌تواند عاملی مؤثر برای پایبندی شرکتها به عملکرد مسئولیت اجتماعی باشد.

فرضیه سوم: فرضیه سوم پژوهش این بود که مسئولیت اجتماعی بر ارزش افزوده شرکتها تأثیر دارد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم مندرج در جدول ۶، نشان داد که مقدار آماره t و معناداری مربوط به این آماره، از لحاظ آماری معنادار است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی نشان داد که در سطح اطمینان ۹۵٪، مقدار عدد آزمون در سطح آلفای ۰/۰۵ بیشتر از ۱/۹۶ است ($t = 4/004$) است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقدار آماره t بیشتر از ۱/۹۶ است، بنابراین فرضیه پژوهش در سطح خطای ۵٪ تأیید می‌گردد. با توجه به ضریب مسیر ($\beta = 0/196$) نشان می‌دهد که ضریب مسیر میان دو متغیر مسئولیت اجتماعی و ارزش افزوده مثبت است ($R^2 = 0/897$). بر طبق داده‌های آماری پژوهش، بیان می‌شود که شرکتها با پایبندی به مسائل مسئولیت اجتماعی، دارای وجهه مناسبی در دیدگاه جامعه و مشتریان می‌شوند و این عامل می‌تواند بر عملکرد شرکتها تأثیر مثبتی بگذارد و آنها را به سودآوری برساند؛ بنابراین، مسئولیت اجتماعی بر ارزش افزوده تأثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه چهارم: طبق بارون و کنی (۱۹۸۶)، آزمون اثرات متغیر میانجی و تعیین شدت آن با توجه به فرضیه چهارم انجام و یافته‌های آن در جدول ۶ گزارش شد. رویکرد رایج مورد استفاده برای آزمون

میانجی، آزمون سوبل (۱۹۸۲) است. این آزمون، رابطه میان متغیر مستقل و وابسته را در مقایسه با رابطه میان متغیرهای مستقل، وابسته و میانجی، آزمون می‌کند. آزمون سوبل فرض می‌کند که اثرات غیرمستقیم متغیر مستقل، بصورت نرمال توزیع شده است. افزون بر این، جهت تعیین شدت تأثیر متغیر میانجی، از آماره VAF استفاده می‌شود (مکینون و همکاران، ۱۹۹۵).

نتایج آزمون فرضیه چهارم نشان داد که کیفیت حسابرسی بر ارزش افزوده شرکتها در صورت وجود مسئولیت اجتماعی، به عنوان یک متغیر میانجی، تأثیر مثبت و معناداری دارد ($R^2=0/۸۰۶$). این یافته اهمیت مسئولیت اجتماعی را در زمینه تأثیر بر کیفیت حسابرسی و ارزش افزوده شرکتها نشان می‌دهد؛ بنابراین، این فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. افزون بر این، مقدار ضریب مسیر متغیر میانجی نیز، برابر با ۰/۶۰۲ است و این بدان معناست که ۶۰ درصد از تأثیر کل کیفیت حسابرسی و ارزش افزوده شرکتها از طریق غیرمستقیم و توسط متغیر میانجی مسئولیت اجتماعی، تبیین می‌شود.

۷- بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر ارزش افزوده شرکتها با تأکید بر نقش میانجی مسئولیت اجتماعی بود. ارزش افزوده شرکتها، در کانون توجه سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران شرکتها قرار دارد. از آنجایی که هدف اصلی هر شرکت سودآوری است، با توجه به تئوری واحد تجاری، ارزش افزوده شرکتها به‌عنوان معیاری نوین جهت ارزیابی عملکرد شرکتها اهمیت به‌سزایی دارد. طبق تئوری نمایندگی، تئوری بازارهای آزاد و تئوری بازارهای تحت نظارت، کیفیت حسابرسی می‌تواند بر ارزش افزوده شرکتها تأثیرگذار باشد. کیفیت حسابرسی شامل سنج‌های اندازه مؤسسه حسابرسی، سهم بازار، تعداد صاحب‌کاران، تعداد شرکای مؤسسه، سود عملیاتی مؤسسه حسابرسی و نوع گزارش حسابرسی است که با عملکرد مثبت و منفی شرکت و با توجه به اظهارنظر حسابرسی و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی، تأثیرات متفاوتی بر انتظارات سرمایه‌گذاران و عملکرد بازار شرکت دارند. این عمل بر ارزش افزوده شرکتها تأثیر مناسبی خواهد گذاشت. بر اساس تئوری اقتصاد سیاسی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی به مباحث اخلاقی درباره رفتار و تصمیم‌گیری شرکت درباره موضوعاتی مانند مدیریت منابع انسانی، حمایت محیطی، سلامت کاری، روابط اجتماعی و روابط با عرضه‌کنندگان و مشتریان می‌پردازد؛ بنابراین، مسئولیت اجتماعی می‌تواند بر کیفیت حسابرسی و ارزش افزوده شرکتها تأثیر داشته باشد. مسئولیت اجتماعی شامل سنج‌های روابط کارکنان، ویژگی‌های محصول، محیط‌زیست و مشارکت اجتماعی است.

طبق جدول شماره ۶، فرضیه اول پژوهش نشان داد که در بورس اوراق بهادار تهران، کیفیت حسابرسی بر ارزش افزوده شرکتها، تأثیر مثبت و معناداری دارد. این امر به دلیل تأثیرگذاری مناسب سنجه‌های کیفیت حسابرسی بر ارزش افزوده شرکتها است. نتیجه فرضیه اول به طور کلی با پژوهش‌های شارما و همکاران (۲۰۱۷)؛ دجاندانگ و همکاران (۲۰۲۰)؛ طالب‌نیا و همکاران (۱۳۹۰)؛ مهدوی و نمازی (۱۳۹۶) سازگار است.

طبق جدول شماره ۶، یافته فرضیه دوم نشان داد که کیفیت حسابرسی بر مسئولیت اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری دارد. این امر می‌تواند به دلیل ماهیت مقررات محیطی، اجتماعی و تکنولوژی صنایع مختلف، پایبندی آن‌ها به مسئولیت اجتماعی و افشای اطلاعات مربوط به مسائل اجتماعی توسط آن‌ها باشد. نتایج فرضیه دوم با پژوهش‌های نخیلی و همکاران (۲۰۱۷)؛ دمارتینی و تراکو (۲۰۱۷)؛ مهدوی و حسینی‌نیا (۱۳۹۴)؛ مهدوی و نمازی (۱۳۹۶) همسو است.

با توجه به جدول شماره ۶، فرضیه سوم پژوهش نشان داد که مسئولیت اجتماعی بر ارزش افزوده شرکتها تأثیر مثبت و معناداری دارد. دلیل آن می‌تواند شرکت‌هایی باشند که شاخص‌های مسئولیت اجتماعی را رعایت می‌کنند و آن شاخص‌ها را در رسیدن به عملکرد خود به کار می‌برند. نتایج فرضیه سوم با پژوهش‌های یان‌یانگ و همکاران (۲۰۱۸)؛ نخیلی و همکاران (۲۰۱۷)؛ نمازی و مقیمی (۱۳۹۷)؛ برادران حسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) سازگار است.

همان‌طور که در جدول شماره ۶ برای آزمون فرضیه چهارم نشان داده شد، مسئولیت اجتماعی، به‌عنوان یک متغیر میانجی، بر کیفیت حسابرسی و ارزش افزوده شرکتها، تأثیر مثبت و معناداری دارد. نتایج این فرضیه به طور کلی با پژوهش‌های سوریکوز و زیکا (۲۰۱۸)؛ نخیلی و همکاران (۲۰۱۷)؛ بارون و کنی (۱۹۸۶)؛ نمازی و مقیمی (۱۳۹۷)؛ محمدی و بهمنی (۱۳۹۹) همسو است. طبق یافته‌های پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

طبق نتایج فرضیه اول پژوهش، پیشنهاد می‌شود که مدیران شرکتها برای کمک به ارتقای کیفیت حسابرسی و عملکرد واحد تجاری، به معیارهای نوین عملکرد و معیارهای اقتصادی عملکرد توجه نمایند. با توجه به یافته‌های فرضیه دوم و سوم به حسابرسان توصیه می‌شود تا برای بالا بردن کیفیت حسابرسی، به مسئولیت اجتماعی و حقوق انسانی، به‌ویژه، در زمینه‌های مشارکت اجتماعی، روابط کارکنان، افشای اطلاعات مربوط به محیط‌زیست و ویژگی‌های محصولات شرکتها، توجه بیشتری نمایند. با توجه نتایج فرضیه چهارم، از آنجائی که منابع طبیعی برای همه نسل‌ها است و شرکتها با رعایت مسئولیت اجتماعی ملزم به رعایت گزارشگری دقیق‌تر می‌شوند، به سازمان بورس

اوراق بهادار تهران نیز پیشنهاد می‌شود، افشای شاخص‌های مسئولیت اجتماعی شرکتها و امتیاز مربوط به آن را برای شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس الزامی کند.

فهرست منابع

- ۱) اسدی، محمدحسین، زهره حاجیها و محبوبه جعفری، (۱۳۹۹)، "الگو بندی عوامل مؤثر بر محافظه کاری در شرکتها"، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۲(۴۷)، صص ۱۳۹-۱۶۸.
- ۲) احمدی، محمدرمضان، کامران جمالی و بهنام کرمشاهی، (۱۳۹۴)، "پیامدهای اقتصادی اظهار نظر مشروط حسابرسان مستقل در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران"، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۳(۴)، صص ۶۷-۷۵.
- ۳) انواری رستمی، علی اصغر، رضا تهرانی و حسن سراجی، (۱۳۸۳)، "بررسی ارتباط میان ارزش افزوده اقتصادی، سود قبل از بهره و مالیات، جریان نقدی فعالیت های عملیاتی با ارزش بازار سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۱۱(۳)، صص ۲۱-۳.
- ۴) برادران حسن زاده، رسول، عیسی ابیضی و رامین نامور، (۱۳۹۸)، "تأثیر ارتباطات سیاسی بر مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت با تأکید بر رقابت بازار محصول"، پژوهش های تجربی حسابداری مالی، ۹(۱)، صص ۳۰۱-۳۲۵.
- ۵) جنانی، محمدحسن، محمود همت فر و باقر رحیمی، (۱۳۹۲)، "رابطه بین ارزش افزوده اقتصادی و سرمایه فکری با ارزش بازار"، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، ۵(۲۰)، صص ۱۸۱-۲۰۲.
- ۶) حاجی ها، زهره و محمدرضا ابراهیمی، (۱۳۹۵)، "بهبود در اظهار نظر حسابرسان و اثرات آن بر تغییرات قیمت و حجم معاملات سهام"، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، ۳۰(۸)، صص ۶۱-۸۱.
- ۷) حجازی، رضوان و عارفه حسینی، (۱۳۸۵)، "مقایسه رابطه ارزش افزوده بازار و ارزش افزوده اقتصادی با معیارهای حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهش نامه اقتصادی، شماره ۲۳، صص ۲۳۷-۲۶۲.
- ۸) حساس یگانه، یحیی و کاوه آذین فر، (۱۳۸۹)، "رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه مؤسسه حسابرسی"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۱۷(۶۱)، صص ۸۵-۹۸.
- ۹) داوری، علی و آرش رضازاده، (۱۳۹۵)، "مدل سازی معادلات ساختاری با نرم افزار PLS"، چاپ دوم، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.

- ۱۰) رضایی، عماد و ابراهیم عباسی، (۱۳۹۵)، "تأثیر سرمایه فکری بر نسبت ارزش افزوده اقتصادی به سود حسابداری و نسبت ارزش افزوده بازار به سود حسابداری"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۸(۳۱)، صص ۱۲۷-۱۴۴.
- ۱۱) رضایی، فرزین و سلیمان مولودی، (۱۳۸۹)، "رابطه ارزش افزوده نقدی، ارزش افزوده اقتصادی، جریان‌های نقدی آزاد و سود باقیمانده با ارزش ایجاد شده برای سهامداران"، مطالعات مالی، ۵، صص ۱-۱۸.
- ۱۲) سرلک، نرگس، امید فرجی و فاطمه علی‌نیا، (۱۳۹۹)، "نقش میانجی ریسک سیستماتیک در رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و نگهداشت وجه نقد"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۲(۴۷)، صص ۵۵-۷۶.
- ۱۳) صالح‌آبادی، علی و احمد احمدپور، (۱۳۸۹)، "همبستگی بین نسبت ارزش افزوده اقتصادی (EVA) به سرمایه با نسبت ارزش افزوده بازار (MVA) به سرمایه در بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهش‌نامه اقتصادی، ۴(۱۰)، صص ۲۷۱-۲۵۵.
- ۱۴) طالب‌نیا، قدرت‌الله و اسماعیل شجاع، (۱۳۹۰)، "رابطه بین نسبت ارزش افزوده بازار (MVA) به سود حسابداری و نسبت ارزش افزوده اقتصادی (EVA) به سود حسابداری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله حسابداری مدیریت، ۴(۸)، صص ۴۷-۶۰.
- ۱۵) علوی‌طبری، سیدحسین و منا پارسایی، (۱۳۹۸)، "رابطه کیفیت حسابرسی با شفافیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۱(۴۱)، صص ۴۳-۶۸.
- ۱۶) کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی سازمان حسابرسی، (۱۳۹۸)، "استانداردهای حسابرسی"، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی.
- ۱۷) لاری دشت‌بیاض، محمود، محمدجواد ساعی و عبدالله آزاد، (۱۳۹۹)، "مبانی تعدیل اظهارنظر حسابرس و مدیریت سود"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۴۵، صص ۴۰-۲۳.
- ۱۸) محمدی، علی و نازنین بهمنی، (۱۳۹۹)، "تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر متغیرهای مبتنی بر ارزش شرکت"، چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۳(۲۳)، صص ۱۳۴-۱۴۹.
- ۱۹) مشایخی، بیبا و احمد طالبی، (۱۳۸۸)، "آیا ارزش افزوده اقتصادی جایگزین مناسبی برای سود می‌باشد؟"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱(۲)، صص ۳۵-۶۰.

- ۲۰) مهدوی، غلامحسین و مهدی حسینی، (۱۳۸۷)، "بهترین معیار برای ارزیابی عملکرد مالی چیست؟"، پژوهش‌نامه اقتصادی، ۸(۳۱)، صص ۱۲۱-۱۴۶.
- ۲۱) مهدوی، غلامحسین و سمیه حسینی‌نیا، (۱۳۹۴)، "اثر بخشی کیفیت حسابرسی بر کاهش تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، دانش حسابداری، ۶(۲۱)، صص ۷-۳۱.
- ۲۲) مهدوی، غلامحسین و نجمه رستگاری، (۱۳۹۷)، "کیفیت حسابرسی و محدودیت در تأمین مالی"، مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۳(۲۲)، صص ۱۱۷-۱۳۲.
- ۲۳) مهدوی، غلامحسین و نویدرضا نمازی، (۱۳۹۶)، "تدوین الگوی رابطه بین متغیرهای کیفیت حسابرسی با استفاده از رویکرد علت و معلولی سیستم‌های پویا"، مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۳(۵۳)، صص ۴۵-۷۰.
- ۲۴) مهرانی، ساسان، غلامرضا کرمی، مصطفی سیدحسینی و مهتاب جهرمی، (۱۳۹۴)، "تنوری حسابداری"، (جلد دوم)، تهران، انتشارات نگاه دانش.
- ۲۵) نمازی، محمد (برگرداننده)، (۱۳۸۹)، "پژوهش‌های تجربی در حسابداری: دیدگاه روش‌شناختی"، چاپ دوم، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
- ۲۶) نمازی، محمد و فاطمه مقیمی، (۱۳۹۷)، "تأثیر نوآوری و نقش تعدیلی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت‌ها در صنایع مختلف"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۵(۲)، صص ۲۸۹-۳۱۰.
- ۲۷) نمازی، محمد و نویدرضا نمازی، (۱۳۹۵)، "رتبه‌بندی شرکت‌ها بر اساس سنج‌های ارزیابی عملکرد با استفاده از تکنیک چند شاخصه TOPSIS و مقایسه معیارهای ارزیابی (شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران)"، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۲(۲۸)، صص ۳۹-۶۴.
- ۲۸) نمازی، نویدرضا، (۱۳۹۶)، "مدل‌بندی رابطه بین کیفیت حسابرسی و فرضیه بازار تطبیقی در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از تکنیک شبیه‌سازی سیستم پویا"، رساله دکتری، بخش حسابداری، دانشگاه شیراز، شیراز.
- 29) Al-Ajmi, J. (2009), "Audit Firm, Corporate Governance, and Audit Quality: Evidence from Bahrain. *Advances in Accounting*", *Incorporating Advances in International Accounting*, (25) 1, PP. 64-74.
- 30) Ali, M., Mustapha, I., Osman, S., & Hassan, U. (2021), "University Social Responsibility: A Review of Conceptual Evolution and its Thematic Analysis", *Journal of Cleaner Production*, in proof.

- 31) Avishek, B., & J. David, (2017), "Corporate Social Responsibility and Capital Allocation Efficiency", *Corporate Finance*, 43(3), PP. 354-377.
- 32) Bacidore, J.M., Boquist, J.A., Milbourn, T.T. & Thakor, A.V, (1997)," The Search for the best Financial Performance Measure", *Financial Analysts Journal*, 5(12), PP. 10-20.
- 33) Baron, R.M., & D. Kenny, (1986), "The Moderator-Mediator Variable Distinction in Social Psychological Research: Conceptual, Strategic, and Statistical Considerations", *Personality and Social Psychology*, 51(6), PP. 1173-1182.
- 34) Bausch A.E., Barbara, W. & Blome, M, (2003)," Is Market Value-based Residual Income a Superior Performance Measure Compared to Book Value-based Residual Income?" , *Justus-Liebig-Universitat*, No. 1, PP. 1-19.
- 35) Bauwhede, H.V., & Willekens, M, (2004)," Evidence on (the lack of) Audit Quality differentiation in the Private Client Segment of the Belgian Audit Market", *European Accounting Review*, 13(3), PP. 501-522.
- 36) Begley, J., and P. Fischer, (1998), "Is There Information in an Earnings Announcement Delay?" , *Review of Accounting Studies*, Vol. 3, PP. 347– 363.
- 37) Biddle, G. C., Brown, R. and Wallace, J.S, (1999), "Evidence on EVA", *Applied Corporate Finance*, 12(2), PP. 69-79.
- 38) Brewer, P. Chandra, G. & Hock, C.A, (1999), "Economic Value Adde (EVA): its Uses and Limitations", *Advanced Management Journal*, 64(2), PP. 4-11.
- 39) Chang, Y.S., Chiang, C.Y., Liu, L., and X. Xie, (2019), "Audit Partner Independence and Business Affiliation: Evidence from Taiwan", *Advances in Accounting*, In Press.
- 40) Charoendeesawat, S, (2011), "The Explanatory Power of Accounting Measures, EVA and MVA on Stock Returns: Evidence from Thailand Stock Market", *Business Management*, (8), PP. 29-48.
- 41) Ching, W. C., Pang, T. L., Ken, H., and C. Hui, (2016), "Do Industry or Firm Effects Drive Performance in Taiwanese Knowledge-Intensive Industries?" , *Asia Pacific Management Review*, Vol. 21, PP. 170-179.
- 42) Cullinan, C. P., Wang, F., Yang, B and J. Zhang, (2012), "Audit Opinion Improvement and the Timing of Disclosure", *Advances in Accounting*, Vol. 28, PP. 333–343.
- 43) Datar, S.M., Feltham, G.A., & Hughes, J.S, (1991), "The Role of Audits and Audit Quality in Valuing New Issues", *Accounting and Economics*, 1(14), PP. 3-49.
- 44) Davidson. R.A., & Neu, D, (1993), "A Note on Association between Audit Firm Size and Audit Quality", *Contemporary Accounting Research*, 9(2), PP. 479- 488.
- 45) DeAngelo, L, (1981), "Auditor Size and Auditor Quality", *Accounting and Economic*, 3(3), PP. 183-199.
- 46) DeFond, M, (1992), "The Association between Changes in Client Firm Agency Costs and Auditor Switching", *Practice and Theory*, Vol. 11, PP. 16-31.
- 47) Deloitte, L, (2010), "Advancing Quality through Transparency", *Deloitte LLP Inaugural Report* January.

- 48) Demartini, C., & Trucco, S, (2017), "Integrated Reporting and Audit Quality", Springer International Publishing, Gewerbestrasse, Switzerland.
- 49) Djaddang, S., Lyshandra, sh., Wulamdjani, H., & Sulistiawarni, E, (2020), "The Relationship between Self-efficacy towards Audit Quality with Individualism Culture as Mediates: Evidence from Indonesia", Social Sciences and Humanities Invention, 5(04), PP. 4577-4583.
- 50) Ferrell, O. C., Harrison, E., Ferrellc, L., and H. Hair, (2019), "Business Ethics, Corporate Social Responsibility, and Brand attitudes: An Exploratory Study", Journal of Business Research, Vol. 95, PP. 491-501.
- 51) Franzel, J. M, (2016), "Are We there yet? Protecting Investors by Securing a Strong Auditing Profession into the Future", Research in Accounting Regulation, 1(28), PP. 42-54.
- 52) Givel, M. (2007), "Motivation of Chemical Industry Social Responsibility through Responsible Care". Health Policy, 81(1), PP. 85-92.
- 53) González-Díaz, B., García-Fernández, R., & López-Díaz, A. (2015), "Auditor Tenure and Audit Quality in Spanish State-owned Foundations", Revista de Contabilidad-Spanish Accounting Review, (18) 2, PP. 115-126.
- 54) Hall, J. & Brummer, L.M, (1999), "The Relationship between the Market Value of a Company and Internal Performance Measurements", University of Pretoria and University of Pretoria: <http://papers.ssrn.com/id=141189>.
- 55) Hermanson, D.R., Houston, R.W., & Rice, J.C, (2007), "PCAOB Inspections of Smaller CPA Firms: Initial Evidence from Inspectionreports", Accounting Horizons, 21(2), PP. 137-152.
- 56) Hendriksen, E.S., & Van Berda, M.F, (1992), "Accounting Theory", United States of American.
- 57) Hope, O. K., Hu, D., & Zhao, W, (2017), "Third-party Consequences of Short Selling Threats: The Case of Auditor Behavior", Accounting and Economics, 3(63), PP. 479-498.
- 58) Hulland, J, (1999), "Use of Partical Least Squares (PLS) in Strategic Management Research: A Review of Four Recent Studies", Strategic Management Journal, 20(2), PP. 195-204.
- 59) International Organization for Standardization (2019), "Social Responsibility-A Choice or an Obligation", <https://www.beyondyourbrand.co.uk/business-responsibility>.
- 60) Lai, K. W, (2019), "Audit Report Lag, Audit Fees, and Audit Quality Following an Audit Firm Merger: Evidence from Hong Kong", International Accounting, Auditing and Taxation, In press.
- 61) Lee, S. and Kim, W. G. (2009), "EVA, Refined EVA, MVA, or Traditional Performance Measures for the Hospitality Industry?", International Journal of Hospitality Management, 28, PP. 439-445.

- 62) Li, S., and X. Wu, (2004), "The Improvement in Audit Opinion and Voluntary Auditor Switch: Descriptive Statistics and Implications from 1997–2003", *Auditing Research*, 5, PP. 13–19.
- 63) Liu, L. L., Xie, X., Chang, Y. S., & Forgiore, D. A, (2017), "New Clients, Audit Quality, and Audit Partner Industry Expertise: Evidence from Taiwan", Wiley, Inpress.
- 64) Macerinskiene, I., & Balciunas, A. (2015), "The Evidence of Social Responsibility in Foreign Exchange Brokers' Activities", *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 213, PP. 552-556.
- 65) Mackinnon, D. P., Warsi, G., Dwyer, J. H, (1995), "A Simulation Study of Mediated Effect Measures", *Multivariate Research*, 30(1), PP. 41-60.
- 66) Mandel, D., & Lehman, D, (1998), "Integration of Contingency Information in Judgments of Cause, Covariation, and Probability", *Experimental Psychology*, 127(3), PP. 269-285.
- 67) Martin, R. D, (2013), "Audit Quality Indicators: Audit Practice Meets Audit Research", *Practice & Theory*, 2(7), PP. 17-23.
- 68) Martinez-Conesa, I., Soto-Acosta, P., & Manzano, M.P, (2017), "Corporate Social Responsibility and its Effect on Innovation and Firm Performance: An Empirical Research in SMEs", *Cleaner Production*, 142(20), PP. 2374-2383.
- 69) Martinelli, G., Vogel, E., Decian, M., Farinha, M. J. U. S., Bernardo, L. V. M., Borges, J. A. R., Ruviano, C. F. (2020), "Assessing the Eco-efficiency of different Poultry Production Systems: an Approach Using Life Cycle Assessment and Economic Value Added", *Sustainable Production and Consumption*, 24, PP. 181-193.
- 70) Martini, J.T., Niemann, R., & Simons, D, (2016), "Tax-induced Distortions of Effort and Compensation in a Principal-agent Setting", *Accounting, Auditing and Taxation*, 14(27), PP. 26-39.
- 71) Mishra, D. R., Sodok, E. Gh., Omran, G., and C. Chuk, (2011), "Does Corporate Social Responsibility Affect the Cost of Capital?" , *Banking & Finance*, 35(9), PP. 2388-2406.
- 72) Molodchik, M., Fernandez, C. M., & A. Barajas, (2015), "The Firm Size Effects on Performance Due to Intangible Resources", *Higher School of Economics Research*, 18(3), PP. 1-18.
- 73) Muñoz-Izquierdo, M., S, Segovia-Vargas, M. J., Camacho-Miñano, M., and D. Pascual-Ezama, (2019), "Explaining the Causes of Business Failure Using Audit Report Disclosures", *Business Research*, Vol. 98, PP. 403-414.
- 74) Namazi, M., & N.R. Namazi, (2016), "Conceptual Analysis of Moderator and Mediator Variables in Business Research", *Procedia Economics and Finance*, 36(4), PP. 540-554.
- 75) Nekhili, M., Nagatib, H., and C. Tawhid, (2017), "Corporate Social Responsibility Disclosure and Market Value: Family versus Nonfamily Firms", *Business Research*, Vol. 77, PP. 41–52.

- 76) Orlitzky, M., Schmidt, F.L., & Rynes, S.L, (2003), "Corporate Social and Financial Performance: A Meta-analysis", *Organization Studies*, 24(3), PP. 403-441.
- 77) Palmrose, Z, (1988), "An Analysis of Auditor Litigation and Audit Service Quality", *The Accounting Review*, 63(1), PP. 55-73.
- 78) Patton, J., & Zelenka, I, (1997), "An Empirical Analysis of the Determinants of the Extent of Disclosure in Annual Reports of Joint Stock Companies in the Czech Republic", *The European Accounting Review*, 4(6), PP. 605-626.
- 79) Ramanathan, R., Ramanathan, U., and Y. Bentley, (2017), "The Debate on Flexibility of Environmental Regulations, Innovation Capabilities and Financial Performance – A Novel Use of DEA", *Omega*, 75(5), PP. 131-138.
- 80) Sevrikozi, A., & Tzika, V, (2018), "The Link between CSR and Audit Fees: Are Audit Fees associated with CSR", Master of Science Thesis, School of Economics, Business Administration & Legal Studies.
- 81) Sharma, D. S., Tanyi, P. N., & Litt, B. A, (2017), "Costs of Mandatory Periodic Audit Partner Rotation: Evidence from Audit Fees and Audit Timeliness", *Practice & Theory*, 1(36), PP. 129-149.
- 82) Shen, Y., Zou, L., and D. Chen, (2015), "Does EVA Performance Evaluation Improve the Value of Cash Holdings? Evidence from China", *Accounting Research*, 8(3), PP. 213-241.
- 83) Stewart, G. B, (1994), "EVA: Fact and Fantasy", *Applied Corporate Finance*, 7(2), PP. 71-84.
- 84) Stewart, G.B, (1991), "The Quest for Value", New York: Harper-Collins.
- 85) Titman, S., & Trueman, B, (1986), "Information Quality and the Valuation of New Issues", *Accounting and Economics*, 8(2), PP. 159-172.
- 86) Yeung, W.H., and C. Lento, (2018), "Ownership Structure, Audit Quality, Board Structure, and Stock Price Crash Risk: Evidence from China", *Global Finance Journal*, Vol. 37, PP. 1-24.
- 87) Yinyoung, R., Manisha, S., and K. Yoon, (2018), "CSR and Financial Performance: The Role of CSR Awareness in the Restaurant Industry", *Hospitality Management*, Vol. 57, PP. 30-39.

یادداشت‌ها

¹ Economic Value Added (EVA)

² Market Value Added (MVA)

³ American Institute of Certified Public Accountants (AICPA)

⁴ Jenkins Committee

⁵ World Business Council for Sustainable Development (WBCSD)

⁶ International Organization for Standardization (IOS)

⁷ Entity Theory

⁸ Agency Theory

⁹ Free Markets Theory

¹⁰ Regulated Markets Theory

¹¹ Economic and Financial Theory

¹² Political Economy Theory

¹³ Structural Equation Model (SEM)

¹⁴ Kinder, Lydenberg & Domini Research & Analytics, INC. (KLD)